

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۵

احسان اعجازی^۱ / ارسلان قربانی^۲

رضا سیمبر^۳ / احمد جانسیز^۴

چکیده

سیاست خارجی تهاجمی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۰-۲۰۱۷) را می‌توان ناشی از بنیان‌های درونی سیاست خارجی این کشور به حساب آورد. یکی از این بنیان‌های درونی، لابی‌های متعدد فعال در نظام سیاسی-اقتصادی ایالات متحده می‌باشد. برای تبیین سیاست خارجی ایالات متحده بر اساس بنیان‌های درونی‌اش، می‌توان از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک بهره گرفت. در سال‌های اخیر همگرایی عمیقی بین لابی‌های صهیونیستی و عربی در جهت مقابله با منافع جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که هر دوی آنها در تلاش هستند تا قوای سه‌گانه در آمریکا را برای اتخاذ سیاست‌های ضد ایرانی اقناع کنند. بر همین اساس نویسندگان این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال اصلی هستند که لابی‌های صهیونیستی-عربی چه تاثیری بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال برنامه هسته‌ای ایران (۲۰۰۰-۲۰۱۷) داشته‌اند؟ نویسندگان مقاله با بکارگیری روش کیفی، مطالعه موردی درصدد هستند تا تاثیر هم‌زمان لابی صهیونیستی عربی بر رویکرد ایالات متحده در قبال برنامه هسته‌ای را بسنجند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در رابطه با ایران، لابی‌های صهیونیستی-عربی در سال‌های اخیر به هدفی مشترک دست پیدا کرده‌اند؛ آنها درصدد ترغیب نخبگان سیاسی-اقتصادی ایالات متحده برای پیگیری سیاست‌های ضد ایرانی از جمله تصویب قوانین تحریمی بوده‌اند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران، لابی صهیونیستی، لابی عربی.

ehsan.ejazi@gmail.com
arsalanh@yahoo.com
rezasimbar@hotmail.com
Jansiz@guilan.ac.ir

۱. دکتری روابط بین‌الملل، از دانشگاه گیلان.
۲. استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی.
۳. استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان.
۴. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه گیلان.

نکته: این مقاله برگرفته از رساله دکتری احسان اعجازی با عنوان «بنیان‌های درونی سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۰) با راهنمایی دکتر ارسلان قربانی و دکتر رضا سیمبر و مشاوره دکتر احمد جانسیز است.

مقدمه

هدف فعالیت لابی صهیونیستی در کنگره و کاخ سفید تنها به مسئله مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی محدود باقی نمانده است؛ بلکه این لابی در سال‌های متمادی سعی نموده است تا از طرق مختلف بر روند قانون‌گذاری کنگره علیه ایران تاثیرگذار باشد. این لابی با کمک به مبارزات نامزدهای انتخاباتی کنگره و ریاست‌جمهوری تلاش کرده است تا آنها را برای گام برداشتن به سمت تحریم و حتی جنگ با ایران ترغیب و تشویق کند. همچنین این لابی از طریق چانه‌زنی و اعطای امتیاز مالی به نمایندگان، آنها را برای تصویب قوانین ضد ایرانی اقناع کرده است. البته لابی صهیونیستی تنها لابی نیست که توانسته است بر رویکرد سیاست خارجی ایالات‌متحده در قبال ایران تاثیر بگذارد. در سال‌های اخیر لابی کشورهای عربی نیز در این زمینه فعال بوده است. از میان کشورهای عربی، لابی کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی شدیداً به دنبال آن بوده‌اند که کنگره و کاخ سفید را برای اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران ترغیب کنند. شاید بتوان گفت که در این زمینه یک همکاری غیر رسمی و موازی بین لابی صهیونیستی از یکسو و لابی عربی از سوی دیگر برای تاثیرگذاری بر سیاست خارجی ایالات‌متحده نسبت به جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آمده است.

روش

در این پژوهش نویسندگان تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از روش کیفی مطالعه موردی تاثیر لابی صهیونیستی عربی را بر سیاست خارجی ایالات‌متحده در قبال برنامه هسته‌ای ایران ارزیابی کنند؛ بنابراین لابی صهیونیستی عربی، به‌عنوان متغیر مستقل و سیاست خارجی ایالات‌متحده در قبال برنامه هسته‌ای ایران، به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

چارچوب مفهومی

در این مقاله لابی‌ها به‌عنوان «بنیان درونی»^۱ سیاست خارجی ایالات‌متحده در نظر گرفته شده است. از همین‌رو برای تبیین تاثیر لابی‌های صهیونیستی-عربی بر سیاست خارجی ایالات‌متحده

1. Domestic Sources.

در قبال ایران از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک بهره گرفته شده است.

واقع‌گرایی نوکلاسیک

«گیدئون رز»^۱ در مقاله‌ای با عنوان «واقع‌گرایی نوکلاسیک و نظریات سیاست خارجی»^۲ تلاش کرده است تا شاخصه‌های اصلی واقع‌گرایی نوکلاسیک را تبیین کند. وی واقع‌گرایی نوکلاسیک را به‌عنوان تلفیقی از واقع‌گرایی کلاسیک و واقع‌گرایی ساختاری (نوواقع‌گرایی) مطرح کرده است. این نوع از واقع‌گرایی صراحتاً متغیرهای داخلی و خارجی را تلفیق می‌کند و بینش‌های خاص برآمده از تفکر واقع‌گرایی کلاسیک را «به‌روز»^۳ و «نظام‌مند»^۴ می‌کند. پیروان واقع‌گرایی نوکلاسیک استدلال می‌کنند که فرصت و جاه‌طلبی سیاست خارجی یک کشور در وهله نخست و بیش از هرچیز دیگری نشأت گرفته از جایگاه آن کشور در نظام بین‌الملل و قابلیت‌های مادی و نسبی آن کشور است. اما آنها این اصل را به استدلال خود می‌افزایند که تاثیر چنین قابلیت‌هایی بر سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده می‌باشد؛ چراکه فشارهای سیستمیک را باید با بهره‌گیری از متغیرهای مداخله‌گر در سطح واحد (دولت) تعبیر کرد. درواقع به‌منظور درک بهتر اینکه دولت‌ها چگونه محیط خارجی خودشان را تفسیر می‌کنند و اینکه چگونه در برابر آن از خود واکنش نشان می‌دهند، بایستی این موضوع را تحلیل کنیم که متغیرهای مداخله‌گر سطح واحد به چه صورت فشارهای سیستمیک را تعبیر می‌کنند. در اینجا منظور از متغیرهای مداخله‌گر برداشت تصمیم‌گیران و ساختار دورنی دولت است. از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک، هم سیاست بین‌الملل و هم سیاست داخلی رهبران سیاسی جهان را محدود می‌کند (Rose, 1998: 146, 152, 153).

همان‌طور گیدئون رز تصریح می‌کند واقع‌گرایی نوکلاسیک از لحاظ الحاق متغیرهای مداخله‌گر داخلی با واقع‌گرایی ساختاری متفاوت است. این متغیرهای مداخله‌گر داخلی مشخص می‌کنند که چگونه دولت‌ها در برابر فشارهای سیستمیک بین‌المللی که همه واقع‌گرایان تصور می‌کنند

1. Gideon Rose.

2. Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy.

3. Updating.

4. Systematizing.

که شالوده سیاست خارجی، استراتژی کلان و سیاست بین‌الملل را تشکیل می‌دهد و واکنش نشان می‌دهند. به‌طور کلی متغیرهای مداخله‌گر داخلی را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم نمود: (۱) برداشت و تصور رهبران دولتی؛ (۲) فرهنگ استراتژیک؛ (۳) روابط دولت و جامعه؛ (۴) ترتیبات (آرایش) نهادی داخلی. البته سه متغیر داخلی دیگر را نیز می‌توان شناسایی نمود که به‌طور بالقوه واکنش سیاست خارجی ملی در برابر محرک فشارهای سیستمیک را دچار اختلال و انحراف می‌کنند: (۱) برداشت (از محرک سیستمیک)؛ (۲) تصمیم‌گیری؛ (۳) اجرای سیاست. با توجه به این که پژوهش پیش رو به نقش لابی‌های اسرائیلی-عربی، به‌مثابه رابطه جامعه و دولت، در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا توجه دارد در این بخش تنها به بررسی متغیر روابط دولت و جامعه اکتفا می‌شود. رابطه جامعه و دولت به تعامل بین نهادهای اصلی دولت و گروه‌های متنوع اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد. در این رابطه به میزان سازگاری بین دولت و جامعه، رقابت بین گروه‌ها و ائتلاف‌های اجتماعی برای کسب قدرت، سطح انسجام سیاسی و اجتماعی دولت و پشتیبانی عمومی برای اهداف امنیت ملی و سیاست خارجی پرداخته می‌شود (Ripsman and Others, 2016: 58-76).

صورت‌بندی تازه نظریه واقع‌گرایی در قالب واقع‌گرایی نوکلاسیک مستلزم آن است تا بین سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل پیوند زده شود و ساختارهای داخلی با ساختارهای بین‌المللی مرتبط شوند. گرچه از نظر واقع‌گرایی، بقا هدف نهایی دولت به‌شمار می‌رود؛ اما چگونگی دستیابی دولت به این هدف به توانایی رهبران دولت برای مواجهه با چالش‌های گروه‌ها و شرایط اجتماعی دارد. واقع‌گرایان نوکلاسیک اهمیت ساختار نظام بین‌الملل را انکار نمی‌کنند و آنارشیک بودن نظام بین‌الملل را نیز می‌پذیرند؛ اما تلاش می‌کنند با بررسی درون دولت‌ها و کشف علل رفتار متفاوت آنها در مقایسه با یکدیگر به نظریه واقع‌گرایی کلاسیک جان تازه‌ای ببخشند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۱۰۵).

برای آگاهی از تفاوت‌ها و شباهت‌های واقع‌گرایی نوکلاسیک با دیگر نحله‌های واقع‌گرایی می‌توان جدول صفحه بعد را ترسیم کرد (Taliaferro and Others, 2009: 20):

واقع‌گرایی	نظام بین‌الملل	واحدها	متغیر وابسته	منطق علت و معلولی
کلاسیک	تا حدودی مهم	با هم تفاوت دارند	سیاست خارجی دولت‌ها	توزیع قدرت یا توزیع منافع (تجدیدنظرطلب یا خواستار حفظ وضع موجود)
نواقع‌گرایی	خیلی مهم (رقابتی و عدم قطعیت)	عدم تفاوت	پیامدهای سیاسی بین‌المللی	توزیع قدرت نسبی (متغیر مستقل) و پیامدهای بین‌المللی (متغیر وابسته)
نو کلاسیک	مهم، پیامدهای آنا‌رشی متغیر است و گاهی برای تصمیم‌گیرندگان مهم است	با هم تفاوت دارند	سیاست خارجی دولت‌ها	توزیع قدرت نسبی (متغیر مستقل)، محدودیت داخلی و برداشت نخبگان (متغیر مداخله‌گر) و سیاست خارجی (متغیر وابسته)

اگر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران، در یک دهه اخیر را بر اساس نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک تبیین کنیم به این نتیجه می‌رسیم که به دلیل فضای تک‌قطبی که پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی به وجود آمد و به دلیل چالش‌های ژئوپولیتیک فشارهای سیستمیک می‌توانست به تنهایی سبب شود تا ایالات متحده یک سیاست خارجی کاملاً تهاجمی را در قبال ایران در پیش بگیرد؛ به طوری که وقوع جنگ بین دو کشور قطعی شود. اما به دلیل وجود بنیان‌های داخلی سیاست خارجی ایالات متحده نظیر کنگره، لابی‌ها و رسانه‌ها این فشارهای سیستمیک تعدیل شده و به سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران شکل داده‌اند. لابی‌ها، به عنوان یک متغیر مداخله‌گر (رابطه جامعه- دولت)، می‌توانند با اعمال نفوذ بر نمایندگان کنگره و سناتورها می‌توانند آنها را برای تصویب قوانینی علیه ایران تحت فشار بگذارند، فارغ از این که شرایط خاورمیانه، چه تاثیری بر منافع ملی ایالات متحده به جای گذاشته است. با این وجود درباره تاثیر لابی‌های کشورهای خاص بر سیاست خارجی ایالات متحده تردید وجود دارد؛ به طور نمونه، با وجود اینکه رژیم صهیونیستی مخالف توافق هسته‌ای گروه ۵+۱ با ایران بود و لابی ایپک تلاش زیادی در کنگره انجام داد تا این توافق به نتیجه نرسد؛ با این وجود کنگره با تعیین شرایطی این توافق را مورد تایید نسبی قرار داد.

لابی‌ها در ایالات متحده

نمی‌توان به‌طور دقیق و قطعی تعداد لابی‌هایی را که در ایالات متحده وجود دارند را تعیین کرد، با این وجود تنها تعداد اندکی از کارشناسان سیاسی شمار فراوان لابی‌ها در این کشور را منکر می‌شوند. تنها در واشنگتن حدود ۱۵ الی ۲۰ هزار لابی وجود دارد. البته اگر بخواهیم تعداد کل لابی‌ها در همه ایالات و محلات در ایالات متحده را حساب کنیم به عدد بیش از ۲۰۰ هزار لابی می‌رسیم. شاید با این رقم بتوان به این نتیجه دست یافت که در ایالات متحده بیش از هر کشور دیگری در جهان لابی وجود دارد (Nownes, 2013: 24). در ایالات متحده افراد و سازمان‌های متعددی تلاش می‌کنند تا با این لابی‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ ارتباط برقرار کنند تا در نهایت بتوانند به اهداف سیاسی خود دست پیدا کنند. در فرآیند مرتبط با منافع خاص گروه‌های ذی‌نفوذ تنها به دغدغه‌های سیاسی خانواده‌های ثروتمند، شرکت‌های بزرگ و بخش‌های متنوع اقتصادی و بازرگانی پرداخته می‌شود. بدیهی است که این گروه‌های ذی‌نفوذ از طریق لابی‌گرها، وکلای شرکت‌ها و انجمن‌های تجاری بر کمیته‌های فرعی کنگره، وزارتخانه‌ها و آژانس‌های دولتی تمرکز می‌کنند. لابی‌گرها معمولاً شامل افرادی نظیر مقامات منتخب سابق، دستیاران سیاسی سابق و مشاوران مقامات منتخب می‌شوند. این لابی‌گرها به‌دلیل اطلاعات وسیع‌شان و ارتباطات گسترده‌شان با سیاستمداران و نهادهای سیاسی حقوق بسیار زیادی دریافت می‌کنند و به‌همین سبب خانواده‌های ثروتمند و شرکت‌های بزرگ برای آنها ارزش بسیاری قایل هستند (Domhoff, 2014: 7).

لابی‌های قومی - نژادی

اگر ماهیت نسبتاً منحصر به فرد ایالات متحده به‌عنوان کشوری که اکثر جمعیتش از مهاجران تشکیل شده است را در نظر بگیریم در می‌یابیم که بستر اجتماعی در ایالات متحده لزوماً مانند اغلب دولت-ملت‌ها نیست، هرچند کشورهایی نظیر کانادا و استرالیا نیز ویژگی‌های جمعیت شناختی شبیه به ایالات متحده دارند؛ به‌گونه‌ای که آنها نیز به‌عنوان کشورهای مهاجر شناخته می‌شوند. از سوی دیگر در سال‌های اخیر رشد جوامع مهاجر در کشورهای اروپای غربی و کشورهای آسیایی نوید دهنده این مسئله است که گروه‌های ذی‌نفوذ قومی-نژادی تاثیر فزاینده‌ای بر شکل‌گیری سیاست‌های داخلی و خارجی و نیز ترجیحات ملی این دسته از کشورها

خواهند داشت (Beach, 2012: 76). موفق‌ترین لابی‌های قومی برای کسب قدرت سیاسی باید دارای سه شاخصه اصلی باشند: ۱) لابی‌ها باید بتوانند در زمان انتخابات درباره وفاداری خود به یک حزب یا کاندیدا دست به تهدید بزنند؛ بدان معنا که اگر کاندیدا و یا حزبی نتواند منافع لابی مورد نظر را تامین کند، لابی به سمت حزب یا کاندیدای دیگر گرایش پیدا خواهد کرد؛ ۲) لابی قومی باید ابزارهای مالی و سیاسی موثر و کارآمدی در اختیار داشته باشد؛ ۳) لابی‌های قومی- نژادی باید خود را متعهد به ایده‌ئال‌ها و سبیل‌های سنتی ایالات‌متحده نشان بدهند (Hastedt, 2017: 115).

گروه‌های ذی‌نفوذ برای تاثیرگذاری بر روند سیاست خارجی ایالات‌متحده باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشند: ۱) لابی‌های قومی باید دارای یک ساختار سازمان یافته باشند؛ ۲) تعداد اعضای لابی‌های قومی باید قابل توجه باشد؛ ۳) لابی‌های قومی باید از منابع مالی فراوانی برخوردار باشند؛ ۴) لابی‌های قومی باید در یک منطقه جغرافیایی تمرکز داشته باشند؛ ۵) لابی‌های قومی باید دارای دانش، تخصص و اطلاعات مفید و لازم باشند؛ ۶) لابی‌های قومی باید با مهارت‌های مدیریتی و راهبردهای لابی‌گری آشنا باشند (Rytz, 2013: 27).

لابی‌های قومی متعددی در ایالات‌متحده همواره سعی می‌کنند تا اهداف خود را در نظام سیاسی این کشور به پیش ببرند که از میان آنها می‌توان به لابی یهودیان، لابی کوبایی‌ها، لابی ارمنی‌ها و لابی عرب‌ها و...؛ ولی از آنجایی که تنها لابی یهودیان و تا حدودی لابی عرب‌ها بر سیاست خارجی ایالات‌متحده در قبال ایران تاثیر گذارند، در این پژوهش به دو لابی اخیر پرداخته خواهد شد.

لابی صهیونیستی

یهودیان در سال‌های متمادی توانسته‌اند با نفوذ خود در کنگره و کاخ سفید سیاست خارجی ایالات‌متحده را به نفع رژیم صهیونیستی جرح و تعدیل کنند. حال سوال اساسی که باید به آن پاسخ گفت این است که نفوذ گسترده لابی یهودیان در نظام سیاسی ایالات‌متحده از کجا نشأت می‌گیرد. درواقع نکته اصلی این است که شش میلیون یهودی ساکن آمریکا که کمتر از سه درصد از جمعیت ایالات‌متحده را تشکیل داده‌اند چگونه توانسته‌اند به چنین نفوذی در ساختار سیاسی

این کشور دست پیدا کنند. «تونی اسمیت»^۱، اندیشمند سیاسی، نفوذ یهودیان را ناشی از دو دلیل کلی می‌داند: (۱) ساختار نظام سیاسی ایالات متحده: ماهیت تکثرگرایانه نظام سیاسی ایالات متحده این امکان را برای لابی‌های قومی فراهم می‌کند تا به فرآیند سیاستگذاری در حکومت دسترسی داشته باشند؛ (۲) ویژگی‌های لابی قومی: منابع خاصی که این لابی‌ها برای تاثیرگذاری بر روند سیاستگذاری در اختیار دارند. این لابی‌ها معمولاً از سه منبع بهره‌برداری می‌کنند: (۱) جمع‌آوری رای در ایالت‌ها و مناطق کلیدی و مهم؛ (۲) توانایی آنها برای کمک مالی به مبارزات انتخاباتی؛ (۳) توانایی آنها برای لابی‌گری در خصوص مسایل مهم و بنیادین (McCormick, 2012: 71-72).

«آلیسون ویر»^۲ فعال ضد صهیونیست در ایالات متحده حدود ۳۰ لابی یهودی فعال در آمریکا را به دست می‌دهد که همه آنها در جهت منافع اسرائیل درصدد کسب و یا افزایش نفوذ در نظام سیاسی این کشور هستند. اکثر این لابی‌های صهیونیستی در زمینه جهت‌دهی به سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به ایران فعال هستند. با توجه به این که به فعالیت‌های ضد ایرانی لابی ایپک و جی استریت در سال‌های اخیر بسیار توجه شده است، در این مقاله از پرداختن به این دو لابی صرف نظر کرده و به شرح فعالیت‌های لابی‌های صهیونیستی می‌پردازیم که نقش منفی آنها بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران تقریباً نادیده گرفته شده است.

یک. موسسه یهودی امنیت ملی آمریکا (جینسا)^۳

هرچند «موسسه یهودی امنیت ملی آمریکا» به عنوان یک اتاق فکر پشتیبان اسرائیل در ایالات متحده شناخته می‌شود؛ اما هم‌زمان در جهت منافع اسرائیل به لابی‌گری نیز می‌پردازد. تخصص «جینسا»، که در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد، در امور امنیتی می‌باشد و اطلاعات، تحلیل و کمک خود را در اختیار تشکیلات دفاعی، دولت و کنگره ایالات متحده قرار می‌دهد. هدف از تشکیل «جینسا» ارتقای همکاری‌های دفاعی بین رژیم اسرائیل و ایالات متحده ذکر شده است. درآمد جینسا در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۳/۵۰۰/۰۰۰ دلار می‌شد (JINSA, 2017).

درواقع ماموریت «جینسا» آموزش تصمیم‌گیرندگان امور دفاعی و امنیتی و اعضای کنگره درباره

1. Tony Smith.

2. Alison Weir.

3. The Jewish Institute for National Security of America (JINSA).

منافع راهبردی و دفاعی آمریکا در خاورمیانه است و در نهایت تقویت پیوندهای نظامی بین رژیم اسرائیل و ایالات متحده است. «ویلیام کریستول»^۱، نویسنده محافظه کار و مؤسس مجله راست‌گرای «ویکلی استاندارد»^۲، ارتباط تنگاتنگی با «جینسا» دارد. وی از حامیان جنگ عراق بود و بر این باور بود که این جنگ تنها دو ماه طول می‌کشد. این نویسنده نومحافظه کار سیاسی درباره هر موضوعی از جمله ایران دیدگاهی جنگ طلبانه دارد. «کریستول» و دکتر «میکائیل مکووسکی»^۳، افسر اجرایی کل موسسه جینسا از کنگره خواسته‌اند که توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران را از بین ببرد (Jett, 2017: 375-376). همچنین «مرکز جی ماندر نیروی ضربت ایران»^۴، وابسته به جینسا و متشکل از افسرهای ارشد نظامی سابق، مقامات حکومتی عالی رتبه، متخصصان انرژی و تجار، با هدف بررسی تهدیدات ایران و توافق هسته‌ای برجام برای امنیت ملی ایالات متحده و اسرائیل تشکیل شده است. افرادی نظیر «اریک اس. ادلمن»^۵، سفیر سابق ایالات متحده در ترکیه، «ژنرال چارلز والد»^۶، جانشین فرمانده سابق یگان اروپایی ایالات متحده، «الیوت کوهن»^۷، مدیر مرکز مطالعات استراتژیک در دانشگاه جان هاپکینز، «ری تکیه»^۸، پژوهشگر ارشد مطالعات خاورمیانه در شورای روابط خارجی و... در این مرکز عضویت دارند. این مرکز با انتشار ارزیابی خود از توافق هسته‌ای برجام، چالش‌های این توافق برای امنیت ملی ایالات متحده را مورد بررسی قرار داده است. این مرکز در ارزیابی خود به موارد زیر اشاره می‌کند: (۱) برجام از یک ایران هسته‌ای جلوگیری نمی‌کند و پس از ۱۵ سال ایران می‌تواند فعالیت‌های هسته‌ای خود را دوباره آغاز کند؛ (۲) برجام ایران را قادر ساخته است تا جنگ‌های نیابتی که در جهت منافعش قرار دارد را به راه بیندازد؛ (۳) متحدین قدیمی ایالات متحده (رژیم اسرائیل و عربستان) احساس می‌کنند که با توافق هسته‌ای برجام به آنها خیانت شده است (JINSA, 2017).

همچنین «جینسا» همواره حامی قوانین ضد ایرانی بوده است که از سوی سناتورهای آمریکایی

1. William Kristol.
2. Weekly Standard
3. Michael Makovsky.
4. The Gemunder Center Iran Task Force.
5. Eric Edelman.
6. Charles Wald.
7. Eliot Cohen.
8. Ray Takeyh.

نظیر «جان براون بک» به بهانه گسترش آزادی و دموکراسی در ایران تدوین شده است. در همین راستا، «میکائیل لدین»، از حامیان تغییر رژیم در ایران، در سخنرانی خود در گردهمایی «جینسا» در ۳۰ آوریل ۲۰۰۳ اعلام کرد که «زمان دیپلماسی به پایان رسید، زمان ایران آزاد، سوریه آزاد و لبنان آزاد فرا رسیده است.» (Hagopian, 2004: 233).

دو. کمیته اضطراری برای اسرائیل^۱

این کمیته به دنبال جلب حمایت مردم و مقامات سیاسی از روابط بین ایالات متحده و رژیم اسرائیل می‌باشد. همچنین این کمیته مأموریت خود را آشنا نمودن عموم مردم با چالش‌هایی است که امنیت رژیم اسرائیل را تهدید می‌کند (Committee for Israel, 2017). این لابی قصد دارد رژیم اسرائیل را مطمئن سازد که از «دولت‌های متخاصمی که از پذیرش دولت یهودی خودداری می‌ورزند» در امان است. «کمیته اضطراری برای اسرائیل» همواره ایران را به پشتیبانی از تروریسم و تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای متهم کرده است. «ویلیام کریستول» رییس این کمیته است و «گری بوئر^۲»، یک رهبر مسیحی اונجلیکال، یکی از اعضای هیات مدیره آن است. «نوح پولاک^۳»، مدیر اجرایی این کمیته، با صدور بیانیه‌ای با توافق هسته‌ای برجام مخالفت ورزید. علاوه بر این، کمیته اضطراری برای اسرائیل حدود یک میلیون دلار به ستاد انتخاباتی «تام کاتن^۴» کمک نمود که وی پس از دستیابی به مقام سناتوری به شدت از برنامه هسته‌ای ایران انتقاد کرد و خواستار برخورد نظامی با ایران شد. کمیته اضطراری برای اسرائیل در سال ۲۰۱۰ تنها توانست حدود ۷۱۷ هزار دلار درآمد کسب کند (Jett, 2017: 376). این کمیته مانند دیگر اکثر لابی‌ها در ایالات متحده رویکردی سخت‌گیرانه در قبال برنامه هسته‌ای ایران اتخاذ کرده است. در اواخر سال ۲۰۱۳، این کمیته با انتشار ویدئویی با عنوان «پیشروی اوباما به سوی جنگ^۵» که در آن گفته‌های متضاد اوباما درباره مجموعه‌ای از موضوعات میکس شده است (Right Web, April 28, 2015).

1. Emergency Committee for Israel.
2. Gary Bauer.
3. Noah Pollak.
4. Tom Cotton.
5. Obama's March to War.

سه. اتحاد مسیحیان برای اسرائیل^۱

لابی «اتحاد مسیحیان برای اسرائیل» در تلاش است تا با آموزش مسیحیان طرفدار اسرائیل، آنها را به نیرویی کارآمد و موثر برای رژیم اسرائیل تبدیل سازد. این لابی تلاش می‌کند تا روابط خود با کنگره و کاخ سفید را بیش از پیش مستحکم سازد. «بنیامین نتانیا هو»، «مایک پنس»، معاون «دونالد ترامپ» و «رون درمر»^۲، سفیر رژیم اسرائیل در سازمان ملل از حامیان این لابی اسرائیلی می‌باشند (Christians United For Israel, 2017).

«جان هگی»^۳، یک نویسنده مشهور و یک کشیش در شهر «سن آنتونیو»^۴ ایالت تگزاس، «اتحاد مسیحیان برای اسرائیل» را بنیان نهاد. وی یکی از مخالفان سرشناس توافق هسته‌ای برجام است و درباره آن چنین اظهار داشته است که «روزی که ما امضای توافق هسته‌ای را تایید کردیم درواقع انگشت خودمان را در چشم پروردگار فرو بردیم». این لابی برای اطلاعات و دیگر توجیهات اخلاقی که درباره پشتیبانی از اسرائیل مطرح می‌کند به انجیل متوسل می‌شود. «شلدون آدلسون»^۵، کازینو دار مشهور یهودی در لاس وگاس، یکی از میلیاردهایی است که به این لابی کمک مالی فراوانی می‌کند و در سال ۲۰۱۴ از هگی به پاس خدماتش جایزه‌ای دریافت کرد (Jett, 2017: 380).

چهار. سازمان صهیونیستی آمریکا^۶

لابی «سازمان صهیونیستی آمریکا»، مشهور به زی. ا. ای، یکی از مخالفین جدی توافقنامه هسته‌ای برجام در ایالات متحده به‌شمار می‌رود. سازمان صهیونیستی آمریکا یکی از قدیمی‌ترین و افراطی‌ترین سازمان‌های طرفدار اسرائیل است که در ۱۸۹۷ پایه‌گذاری شد. این سازمان دموکرات‌هایی را که در سخنرانی نتانیا هو در کنگره در مارس ۲۰۱۵ که به‌منظور مخالفت با توافق هسته‌ای برجام انجام شد، شرکت نکردند را مورد انتقاد شدید قرار داد و آنها را با یهودیانی مقایسه نمود که در دهه ۱۹۳۰، علیه نازی‌ها سخنی به میان نیاوردند. این سازمان اعلام کرده است که در

1. Christians United For Israel.

2. Ron Dermer.

3. John Hagee.

4. San Antonio.

5. Sheldon Adelson.

6. Zionist Organization of America.

سراسر ایالات متحده ۲۵ هزار عضو دارد (Jett, 2017: 380). «موسکوویتز» که اصالتاً در خانواده‌ای لهستانی یهودی به دنیا آمده است، توانست با مدیریت بیمارستان بودجه لازم برای تأسیس بنیاد را فراهم بیاورد (Moskowitzfoundation, 2017). دارایی‌های این سازمان حدود هشت میلیون دلار برآورد شده است و تا به امروز اهداکنندگان مالی حدود ۲/۵ میلیون دلار به آن کمک کرده‌اند (Fraize, 2016: 282).

این لابی یکی از مشوقان «دونالد ترامپ» برای عدم تأیید توافق هسته‌ای برجام و وضع دوباره تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران بود (ZOA, October 11, 2017). درحالی که «هوارد کهر»^۱، مدیر اجرایی «ایپک» در کنفرانس «ایپک» در سال ۲۰۱۵، چنین اظهار داشت که «هر آنچه می‌خواهد انجام دهید، ولی به‌خاطر ایران از او با ما انتقاد نکنید، در کنگره برای وضع تحریم‌های بیشتر لابی کنید؛ اما به‌خاطر خدا اقدام نظامی علیه ایران را مطرح نکنید.» «مورتون کلین»^۲، رئیس سازمان صهیونیستی آمریکا، بر این باور بود که تهدید بمباران ایران توسط ایالات متحده تنها دلیلی است که ایران را وادار به انجام مصالحه در خصوص برنامه هسته‌ایش می‌کند و در این باره چنین توضیح داد که «ایران کار بر روی برنامه هسته‌ایش را بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، متوقف کرد؛ یعنی زمانی که ایالات متحده به افغانستان و عراق حمله کرده بود؛ چراکه ایران از اینکه بوش به آنها حمله خواهد کرد وحشت زده شده بود.» (Huffington Post, July 7, 2015).

پنج. با ما بمانید^۲

لابی «با ما بمانید» که با نام «اتحاد اضطراری اسرائیل»^۳ نیز شناخته می‌شود خود را متعهد به مبارزه با آنچه یهودی ستیزی می‌خواند، می‌داند و این ایده را که گروه‌های میانه‌رو یهودی آمریکایی (مانند جی استریت) طرفدار اسرائیل هستند به چالش می‌کشد. این لابی بر این باور است کمک عرب‌ها و «حامیان دیده‌بان حقوق بشر»^۴ به لابی‌های اسرائیلی میانه‌رو تعهد آنها به امنیت اسرائیل را تضعیف می‌کند. «بنیاد وکسنر»^۵، یک بنیاد آموزشی در ایالات متحده آمریکا، بین سال‌های ۲۰۰۵

1. Howard Kohr.

2. Stand With Us.

3. Israel Emergency Alliance.

4. Human Rights Watch.

5. Wexner Foundation.

تا ۲۰۰۹، مبلغ ۸۵۰ هزار دلار به لابی «با ما بمانید» کمک مالی کرده است (Jett, 2017: 383). این لابی سعی کرده است تا نمایندگان کنگره را ترغیب کند تا به توافق هسته‌ای با ایران دست پیدا کنند که دارای چنین ویژگی‌هایی باشد: (۱) ایران تمام سانتریفیوژهای خود را بربچیند؛ (۲) امکان بازرسی از همه مکان‌ها و در هر زمانی وجود داشته باشد؛ (۳) تحریم‌های علیه ایران به تدریج و پس از آنکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از نبود ابعاد نظامی در برنامه هسته‌ای ایران اطمینان داد، به حالت تعلیق دربیاید؛ (۴) از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای، حتی برای نسل‌های آینده نیز، جلوگیری شود؛ (۵) از دستیابی ایران به موشک‌های بالستیک جلوگیری شود و و تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران به حالت تعلیق دربیاید (Stand With Us, 2017).

شش. مرکز سایمون ویزنتال^۱

«مرکز سایمون ویزنتال» به‌عنوان یک لابی اسرائیلی که خود را مدافع حقوق بشر می‌خواند در سال ۱۹۷۷ میلادی و با هدف مقابله با یهودی ستیزی، تنفر نژادی و تروریسم، پشتیبانی از رژیم اسرائیل، دفاع از امنیت یهودیان در سراسر جهان و انتقال آموزه‌های هولوکاست مورد ادعای یهودیان به نسل‌های پس از جنگ جهانی دوم بنیان نهاده شد. دفتر مرکزی سایمون ویزنتال در لس آنجلس در ایالت کالیفرنیا قرار دارد و «خاخام ماروین هایر^۲» ریاست این مرکز را به‌عهده دارد (Wiesenthal, 2017). درآمد سالیانه این مرکز حدود ۶۰ میلیون دلار در سال و دارایی خالص آن ۸۰ میلیون دلار می‌باشد (Fraize, 2016: 273).

«مرکز سایمون ویزنتال» با انتقاد از شیوه بحث و گفتگو درباره توافق هسته‌ای ایران- آمریکا، آن را بسیار غیر قابل توصیف کرد. در همین زمینه «خاخام آبراهام کوپر^۳» بر این باور است کسانی که به طرفداری از «باراک اوباما» برای توافق هسته‌ای برجام لابی می‌کردند به تاکتیک‌هایی متوسل شدند که برای مخالفان توافق، به‌خصوص یهودیان، بسیار تهدیدآمیز و تحقیرآمیز بود. حتی «ماروین هایر» در دیدارش با «باراک اوباما» ابراز نگرانی کرد که روند مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای است که هیچ یک از طرف‌های ۵+۱، از جمله ایالات متحده، با مواضع ضد اسرائیلی

1. Simon Wiesenthal Center.

2. Rabbi Marvin Hier.

3. Rabbi Abraham Cooper.

ایران و انکار هولوکاست از سوی آن برخورد نمی‌کند (The Jerusalem Post, August 13, 2015).

هفت. سازمان زنان صهیونیست آمریکا (هداسا)^۱

«هداسا» یکی از سازمان‌های یهودی آمریکا است که در سال ۱۹۱۲ در شهر نیویورک توسط «هنریتا سولد»^۲ پایه‌گذاری شد. «سولد»، به‌عنوان یکی از پیروان صهیونیسم عملی، به‌دنبال برآورده ساختن نیازهای درمانی یهودیان ساکن در فلسطین بود (Hadassah, 2017). این سازمان در سراسر ایالات متحده شعبه دارد و بیش از ۳۳۰ هزار نفر عضو آن هستند. «هداسا» همواره تلاش کرده است تا کنگره ایالات متحده قوانین ضد ایرانی به تصویب برساند. درآمد سالیانه این سازمان حدود ۱۰۰ میلیون دلار و دارایی‌های خالص آن حدود ۴۰۰ میلیون دلار است (Fraize, 2016: 273). این سازمان به‌عنوان یک لابی اسرائیلی فعال در جهت منافع رژیم اسرائیل گام بر می‌دارد. همزمان با مذاکرات هسته‌ای، لابی هداسا با صدور بیانیه‌ای در جولای ۲۰۱۵ از کنگره و کاخ سفید درخواست کرد که تمام اقدامات لازم در جهت جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای را انجام دهد (Hadassah, July, 2015).

هشت. نورث جرسی پک (نورپک)^۳

«نورپک» در سال ۱۹۹۲ توسط خاخام «مناخیم گیناک»^۴ تاسیس شد. «نورپک»، به‌عنوان یک کمیته اقدام سیاسی، با اعطای پول به قانونگذاران آمریکایی، آنها را ترغیب می‌کند تا در جهت قدرت، امنیت و بقای رژیم اسرائیل گام بردارند. نورپک بر این موضوع تاکید می‌ورزد که بزرگترین کمیته اقدام سیاسی طرفدار اسرائیل و عمده‌ترین کمک‌کننده مالی به نمایندگان و سناتورهای مخالف توافق هسته‌ای برجام در کنگره ایالات متحده است (Jett, 2017: 384). این لابی در تصویب قانون ضد ایرانی ایسا در سال ۱۹۹۶ و تمدید سوم آن در سال ۲۰۱۶، فعالیت گسترده‌ای انجام داد و به در نهایت با تمدید این قانون از نمایندگان کنگره و سناتورها به‌دلیل رای به این قانون تشکر

1. The Women's Zionist Organization of America (Hadassah).

2. Henrietta Szold.

3. NORPAC (North Jersey PAC).

4. Menachem Genack.

کرد (NORPAC, 2017). همچنین «نورپک» نمایندگان جنگ طلب کنگره را ترغیب کرد تا توافق هسته‌ای برجام را به زیر سوال ببرند. «اد رویس» رییس کمیته امور خارجی کنگره و از منتقدان توافق هسته‌ای از دریافت کنندگان کمک مالی از «نورپک» است. «نورپک» در انتخابات سال ۲۰۱۴، ۴۸/۱۵۰ دلار و در انتخابات سال ۲۰۱۶، ۲۷/۵۸۸ دلار به ستاد انتخاباتی «اد رویس» کمک مالی کرد. این لابی در انتخابات سال ۲۰۱۶ به ستاد انتخاباتی سناتور «تد کروزر» نیز کمک نمود (Lob Log, January 8, 2016).

نه. لیگ ضد افترا^۱

«لیگ ضد افترا» در سال ۱۹۱۳ با هدف مبارزه با آنچه یهودی ستیزی خوانده می‌شود تاسیس شد. «لیگ ضد افترا» توانسته است با نفوذ در مدارس، آژانس‌های فدرال و کنگره ایالات متحده اهداف رژیم اسراییل را در سراسر آمریکا تعقیب کند (ADL, 2017). «جس هوردس^۲»، «مدیر امور ملی و حکومتی^۳»، «لیگ ضد افترا» بر این نکته تاکید کرده است که ایران با بهره‌گیری از آزادی عملی که به تازگی به‌دست آورده است در تلاش است تا تصویر انقلابی خود را پررنگ سازد (Parsi, 2008: 144). مدیران «لیگ ضد افترا» در راستای مخالفت خود با جمهوری اسلامی ایران خواستار عدم تایید توافق هسته‌ای برجام توسط کنگره شدند. در همین حال «بری کرتیس لوشر^۴»، رییس ملی لیگ ضد افترا و «جانانان ای. گرینبلات^۵»، مدیر ملی سابق «لیگ ضد افترا» با صدور بیانیه‌ای از کنگره خواستند که به توافق هسته‌ای برجام رای منفی بدهد (ADL, 2017). «گرینبلات» که سابقه فعالیت در دولت اوباما را داشت از یکسو سعی کرد تا از هراس یهودیان در خصوص عملکرد دولت اوباما در قبال ایران بکاهد و از سوی دیگر بر دولت اوباما فشار آورد تا در «لفاظی‌های^۶» خود به‌منظور قبولاندن توافق هسته‌ای به مردم و کنگره دقت بیشتری کند (Tablet, August 14, 2015).

1. Anti-Defamation League (ADL).
2. Jesse Hordes.
3. Government & National Affairs Director.
4. Barry Curtiss-Lusher.
5. Jonathan A. Greenblatt.
6. Rhetoric.

لابی عربی

علاوه بر رژیم اسرائیل، کشورهای عربی نیز از شرکت‌های لابی‌گر در جهت تامین منافع خود در ایالات متحده بهره گرفته‌اند تا شاید بتوانند سیاست خارجی این کشور را همراهی منافع اقتصادی - سیاسی خود کنند. «میچل جی. بارد» در کتاب خود با عنوان «لابی عربی» چنین می‌نویسد که «لابی عربی در ایالات متحده به اندازه لابی اسرائیلی و یا شاید بیشتر از آن قدمت دارد.» (Hafsa, 514: 2014). لابی‌های عربی که از سوی عربستان سعودی و امارات متحده عربی پشتیبانی مالی و سیاسی می‌شوند در تلاش هستند با نفوذ در کنگره و کاخ سفید به رویکرد تهاجمی سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران شدت بیشتری ببخشند. در بسیاری از موارد لابی اسرائیلی بر ضد منافع کشورهای عربی عمل کرده است؛ به‌طور مثال، لابی طرفدار رژیم اسرائیل مکرراً این‌گونه استدلال کرده است که فروش تجهیزات نظامی با فناوری پیشرفته به پادشاهی‌های خلیج فارس «نفوذ کیفی^۱» رژیم اسرائیل در منطقه خاورمیانه را تضعیف خواهد کرد (Davidson, 2013).

با این وجود لابی عربی چندان از پشتیبانی ارگانیک ایالات متحده برخوردار نیست و تلاش‌های خود را بیشتر بر روی دو موضوع اصلی نفت و مسئله فلسطین متمرکز کرده است. «میچل بارد» بر این باور است که لابی‌های عربی توسط آنچه که «مجتمع دیپلماتیک نفتی^۲» می‌نامد اداره و مدیریت می‌شوند. مدیران دفاعی، سیاستمداران، افسران اطلاعاتی و دیپلمات‌های سابق در این مجتمع فعالیت می‌کنند. شرکت‌های نفتی، صنایع نظامی - تسلیحاتی و تولیدکنندگان نفتی عرب این مجتمع را تامین مالی می‌کنند (Smith, 2010). دلیل دیگر ضعف لابی عربی در ایالات متحده به ترکیب جمعیتی عرب‌های ساکن این کشور بازمی‌گردد. حدود ۱/۲ میلیون عرب در ایالات متحده زندگی می‌کنند که ۳۸ درصد از آنها لبنانی‌الاصل و عمدتاً مسیحی هستند و در نتیجه با اهداف لابی عربی هیچ منافع مشترکی ندارند. در نتیجه عرب‌هایی که در ایالات متحده زندگی می‌کنند از وحدت و انسجام چندان زیادی برخوردار نیستند. اختلاف عمومی که در جهان عرب وجود دارد - ۲۲ کشور عربی دارای منافع متضادی هستند و همواره با هم در حال رقابت هستند - این عدم وحدت میان عرب‌های ساکن آمریکا را تشدید می‌کند. در نتیجه می‌توان گفت که لابی عربی در ایالات متحده

1. Qualitative Edge.

2. Petro-Diplomatic Complex.

نماینده واقعی عرب‌ها محسوب نمی‌شود. نیمی از عرب‌های ساکن ایالات متحده در پنج ایالت مهم «کالیفرنیا»، «فلوریدا»، «میشیگان»، «نیوجرسی» و «نیویورک» زندگی می‌کنند. همه این ایالت‌ها در کالج‌های انتخاباتی نقشی موثر ایفا می‌کنند؛ اما در همه این ایالت‌ها، به غیر از میشیگان، جمعیت یهودیان از جمعیت عرب‌ها بیشتر است و در نتیجه تاثیر انتخاباتی عرب‌ها تحت الشعاع آرای یهودیان قرار می‌گیرد (Jewishvirtuallibrary, 2017). نقطه ضعف دیگر لابی‌های عربی ناشی از عدم پشتیبانی عموم آمریکایی‌ها از منافع کشورهای عربی می‌شود. درواقع لابی عربی از حمایت مردمی برخوردار نیست (Daily Beast, August 24, 2010).

با آنکه شرکت‌های نفتی، سفارت خانه‌های کشورهای عربی به خصوص عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر- و لابی گرهای وابسته به آنها در تلاش هستند تا نفوذ زیادی بر سیاست‌گذاری انرژی ایالات متحده (Rosen, 2010) و نیز سیاست این کشور نسبت به مناقشه فلسطین- اسرائیل اعمال کنند؛ اما اشتراک نظر آنها با رژیم اسرائیل درباره مسئله ایران سبب شده است تا آنها با بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی خود بر ضد منافع ایران در کنگره و کاخ سفید دست به لابی بزنند. با این وجود همه لابی‌های عربی فعال در ایالات متحده نگرش کاملاً منفی نسبت به ایران ندارند؛ به‌طور مثال، لابی عربی «موسسه آمریکایی عربی»^۱ توافق هسته‌ای برجام را یک پیروزی دیپلماتیک توصیف کرده است و بر این عقیده است که این توافق تاثیر مثبتی بر ثبات منطقه‌ای می‌گذارد (Arab American Institute, July 29, 2015). به‌طور کلی لابی مذکور موضوعاتی را در دستور کار خود قرار داده است که ارتباط مستقیمی با موضوع ایران ندارد. درواقع اهداف موسسه آمریکایی عرب در موارد زیر خلاصه می‌گردد: (۱) روابط با فلسطین؛ (۲) پیمان تجارت آزاد در خاورمیانه؛ (۳) تضمین حقوق مهاجرین عرب ساکن در ایالات متحده؛ (۴) موضوعات مرتبط با عرب- آمریکایی‌ها؛ (۵) تامین بودجه انتخاباتی (النداف، ۲۰۱۴: ۲۶).

در همین راستا عربستان سعودی تلاش کرده است با صرف هزینه‌های فراوان و با بهره‌گیری از کمپین‌های روابط عمومی تصویری «خوش خیم»^۲ از خود در کنگره و در نزد افکار عمومی ارایه دهد. در همین حال احزاب سیاسی ایالات متحده و مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال

1. Arab American Institute.
2. Benign.

۲۰۱۶ در معرض لابی شدید عربستان سعودی قرار داشت. درحالی که دولت اوباما در تلاش بود تا ایالات متحده را تا جای ممکن از منطقه خاورمیانه خارج سازد عربستان سعودی سعی کرد از طریق لابی گری، برجسته کردن خطر ایران و متقاعد کردن ایالات متحده برای فروش تسلیحات به عربستان سعودی، ایالات متحده را به عنوان یک شریک خارجی در منطقه خاورمیانه حفظ کند (Kaussler and Hastedt, 2017: 96). «سلمان الانصاری» و «القحطانی» از جمله مشهورترین لابی گران سعودی هستند که در تلاش هستند از طریق تبلیغات سیاسی و نفوذ در کنگره علیه ایران دست به فعالیت بزنند و نهاد قانون گذاری ایالات متحده را برای تصویب لوایح ضد ایرانی تشویق کنند. پس از حملات ۱۱ سپتامبر فعالیت های لابی گری «القحطانی» آغاز شد. در همان زمان عربستان سعودی احساس کرد که برای حفظ نفوذ خود در دولت ایالات متحده باید به لابی گری خود شدت ببخشد و در همین راستا شرکت های تبلیغاتی و روابط عمومی وابسته به عربستان سعودی به فعالیت های خود شدت بخشیدند. «شرکت کورویس»^۱، یک شرکت روابط عمومی مستقر در واشنگتن، اعلام کرد که «بندر بن سلطان»، سفیر وقت عربستان سعودی در ایالات متحده، به مدت چهار ماه حدود ۱۱ میلیون دلار برای فعالیت های لابی گری هزینه کرده است. لابی گره های سعودی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ بیشترین هزینه را برای تبلیغات صرف کردند (The Lens Post, December 14, 2017).

به طور مثال، از اواسط سال ۲۰۱۷ لابی عربستان سعودی تبلیغات وسیعی را علیه قطر آغاز کرده است. در اواسط جولای ۲۰۱۷، «کمیته امور روابط عمومی آمریکایی سعودی»^۲، یک شرکت انتفاعی، که توسط «سلمان الانصاری»، لابی گر معروف سعودی، اداره می شود با صرف ۱/۲۸ میلیون دلار تبلیغات وسیعی را در برنامه های خبری شبکه های تلویزیونی علیه قطر آغاز کرده است. در همین حال الانصاری به شرکت مزبور حدود ۲/۹ میلیون دلار داده است تا از تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۱۷ به مدت ۹۰ روز به لابی گری بپردازد (Detsch, 2017). «الانصاری» پس از مراسم تحلیف «دونالد ترامپ» به دولت عربستان توصیه کرد که برای تامین منافع خود باید به بخش های مختلف جامعه آمریکا توجه کند. وی بر این نکته تاکید می کند که یکی از نقاط ضعف عربستان سعودی دیپلماسی عمومی ضعیف آن در ایالات متحده است. به باور وی نفوذ بر افکار عمومی آمریکا برای تامین منافع

1. Qorvis Communications LLC.

2. Saudi American Public Relations Affairs Committee (SAPRAC).

اقتصادی و امنیت ملی عربستان ضرورت دارد (Huffington Post, Novemebr22, 2017). همچنین وی به دولت عربستان سعودی و رژیم اسرائیل پیشنهاد کرده است که با تشکیل یک «ائتلاف مشترک»^۱ به مقابله با تهدیدات مشترک از جمله ایران بپردازند (Lynfield, 2017). علاوه بر این دو لابی گر عرب، «اد راجرز»^۲، به عنوان یکی از پایه گذاران لابی «بی. جی. آر. گروپ»^۳، رابطه تنگاتنگی با عربستان سعودی دارد و یکی از فعالیت های لابی تحت مدیریتش در سال های اخیر تامین منافع سعودی ها در ایالات متحده بوده است. از آنجایی که «راجرز» یکی از منتقدان «باراک اوباما» در خصوص امضای توافق هسته ای برجام بود، طبیعی است که لابی «بی. جی. آر گروپ» به برای تامین منافع یکی از مشتریان اصلی اش یعنی عربستان در جهت اخلاص در روند اجرایی توافق هسته ای برجام تلاش کند (NBC News, June6, 2016).

نتیجه گیری

سیاست خارجی خصمانه ایالات متحده در قبال ایران را می توان ناشی از بنیان های درونی سیاست خارجی ایالات متحده دانست. در قالب نظریه واقع گرایی نوکلاسیک می توان بنیان های درونی سیاست خارجی کشورها را مورد شناسایی قرار داد. یکی از بنیان های درونی سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران به فعالیت لابی های اسرائیلی _ عربی باز می گردد. در همین راستا بیش از ۳۰ لابی برای پیشبرد منافع یهودیان و رژیم اسرائیل در صدد تاثیر گذاری بر روند سیاست خارجی ایالات متحده هستند. از میان این ۳۰ لابی، حدود ۱۵ لابی به طور مستمر برنامه هسته ای ایران را در دستور کار خود قرار داده اند. لابی های اسرائیلی با برقراری ارتباط با سناتور و نمایندگان کنگره و همچنین با کمک مالی به مبارزات انتخاباتی آنها، به دنبال آن هستند تا کنگره را به سمت تصویب قوانین تحریمی مختلف علیه ایران تشویق کنند. با آن که نزدیک به شش میلیون در ایالات متحده زندگی می کنند؛ اما دلایل مختلف سبب شده است تا لابی آنها در ایالات متحده از تاثیر گذاری بسزایی برخوردار باشد: ۱) دستیابی آنها به مناصب عالی رتبه حکومتی نظیر سناتور، وزارت، فرماندار و...؛ ۲) ریاست و یا حضور در هیات مدیره شرکت های بزرگ تجاری، صنعتی؛ ۳) ریاست

1. Collaborative Alliance.
2. Ed Rogers.
3. BGR Group.

بر بنیادهای مالی؛ ۴) سکونت در ایالت‌های کلیدی، مانند «نیویورک»، «فلوریدا»، «کالیفرنیا»، «ایلینویز» و «پنسیلوانیا» که نقش تعیین کننده‌ای در انتخابات کنگره و ریاست‌جمهوری دارند. علاوه بر لابی اسرائیلی، لابی‌های عربی، به‌خصوص لابی وابسته به عربستان سعودی و امارات متحده عربی، نیز برای تامین منافع کشورهای عربی سعی دارند تا نفوذ خود را بیش از پیش در نظام سیاسی ایالات‌متحده افزایش دهند؛ اما لابی‌های عربی به نسبت لابی اسرائیلی با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو هستند در نتیجه از سازماندهی کمتری برای همسو کردن سیاست خارجی ایالات‌متحده با منافع کشورهای عربی برخوردار هستند. با این وجود هر دو لابی در تلاش هستند تا از ایران یک تصویر غیر واقعی و خطرناک، از طریق اغراق در توانمندی‌ها و اهداف هسته‌ای ایران، ترسیم کنند تا در نهایت بتوانند نخبگان سیاسی آمریکا را برای پیگیری سیاست‌های خصمانه علیه ایران، نظیر وضع قوانین تحریمی، اقناع کنند. در نتیجه شرایطی فراهم خواهد شد که ایالات‌متحده بتواند رویکردی خصمانه و تهاجمی در قبال جمهوری اسلامی ایران در پیش بگیرد.

فهرست منابع:

۱. دوئرتی، جیمز، فالتزگراف، رابرت. (۱۳۹۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه: علیرضا طیب، وحید بزرگی، تهران: قومس.
۲. النداف، فارس. (۲۰۱۴)، اللوبی الصهيونی و اللوبی العربی فی آمریکا دراسه مقارنه، مجله جامعه تشرین للبحوث و الدراسات العلمیه، سلسله الآداب و العلوم الانسانیه، المجلد (۳۶)، العدد (۶).
3. ADL. (2017), "Who we are", Access in: <https://www.adl.org/who-we-are>.
4. ADL. (2017), "Concludes Congress Should Vote Against Iran Deal", Access in: <https://www.adl.org/news/press-releases/adl-concludes-congress-should-vote-against-iran-deal>.
5. Arab American Institute. (2015), "Iran Nuclear Deal is a Diplomatic Victory", Access in: http://www.aaiusa.org/iran_nuclear_deal_is_a_diplomatic_victory.
6. Beach, Derek. (2012), Analyzing Foreign Policy, New York: Palgrave.
7. Ben Hafsa, Lanouar. (2014), "The Role of Arab American Advocacy Groups in Shaping American Foreign Policy", Society, Volume 51, Issue 5, pp 513–523.
8. Christian United for Israel. (2017), "Mission and Vision", Access in: <https://www.cufi.org/impact/about-us/mission-and-vision/>.
9. JINSA. (2017), "Congressional Testimony", Access in: <http://www.jinsa.org/iran-task-force/congressional-testimony>.
10. Daily Beast. (2010), "The Arab Lobby in America and Influence over the U.S.", Access in: <https://www.thedailybeast.com/the-arab-lobby-in-america-and-influence-over-the-us>.
11. Davidson, Christopher. (2013), "The Arab Sunset", Access in: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2013-10-10/arab-sunset>.
12. Detsch, Jack. (2017), "Saudi Arabia seeks win over Qatar after 9/11 fiasco", Access in: <https://www.al-monitor.com/pulse/lobbying/saudi-arabia>.
13. Domhoff, William. (2014). Who Rules America? New York: McGraw Hill.
14. Right Web. (April 28, 2015), "Emergency Committee for Israel", Access in: http://rightweb.irc-online.org/profile/emergency_committee_for_israel/.
15. Hadassah. (2015), "Iran", Access in: <http://www.hadassah.org/advocate/policy-statements/policy-statement-2015-iran.pdf>.
16. Hadassah. (2017), "History", Access in: <http://www.hadassah.org/about/history.html>.
17. Hagopian, Elaine C. (2004), Civil Rights in Peril: The Targeting of Arabs and Muslims, New York: Pluto Press.
18. Hastedt, Glenn. (2017). American Foreign Policy, New York: Rowman & Littlefield.
19. Huffington Post. (July 7, 2015), "The Self-Promoting Iran Hawk Too Extreme for AIPAC,

- And His Campaign to Kill the Nuclear Deal”, Access in: https://www.huffingtonpost.com/2015/07/07/morton-klein-iran-deal_n_7745826.html.
20. Huffington Post. (2017). “Saudi Prince Mohammed’s Achilles Heel: Misreading Tea Leaves In Washington”, Access in: https://www.huffingtonpost.com/entry/saudi-prince-mohammeds-achilles-heel-misreading-tea_us_5a156997e4b0f401dfa7ec06.
21. NORPAC. (2017), “Issue: Iran”, Access in: <http://norpac.net/issues-iran>.
22. Jett, Dennis C. (2017), *The Iran Nuclear Deal: Bombs, Bureaucrats, and Billionaires*, New York: Palgrave.
23. JINSA. (2017), “About JINSA”, Access in: <http://www.jinsa.org/about-jinsa>.
24. Jerusalem Post. (2015), Access in: <http://www.jpost.com/Diaspora/Simon-Wiesenthal-Center-criticizes-gutter-level-of-debate-on-Iran-deal-411967>.
25. Jewish Virtual Library. (2017), “Congress & the Middle East: The Pro-Israel & Pro-Arab Lobbies”, Access in: <http://www.jewishvirtuallibrary.org/the-pro-israel-and-pro-arab-lobbies>.
26. Kaussler, Bernd, Hastedt, Glenn P. (2017), *US Foreign Policy towards the Middle East: The Realpolitik of Deceit*, New York: Routledge.
27. Lobelog. (2016), “NORPAC Helps House Hawk Attack Iran Deal”, Access in: <https://lobelog.com/norpac-helps-house-hawk-attack-iran-deal>.
28. Lynfield, Ben. (2016), “Analysis: Saudi Lobbyist’s Call for Alliance with Israel Fuels Angry Response”, Access in: <http://www.jpost.com/Arab-Israeli-Conflict/Analysis-Saudi-lobbyists-call-for-alliance-with-Israel-fuels-angry-response-470461>.
29. McCormick, James. (2012), “Ethnic Interest Groups in American Foreign Policy”, in: McCormick, James (Ed), *the Domestic Sources of American Foreign Policy*, New York: Rowman & Littlefield.
30. NBC News. (June 6, 2016), “Top Lobbyist Slow to Disclose Relationship with Saudi Arabia”, Access in: <https://www.nbcnews.com/news/us-news/top-lobbyist-slow-disclose-relationship-saudi-arabia-n584156>.
31. Nowens, Anthony J. (2013), *Interest Group in American Politics*, New York: Routledge.
32. Ottolenghi, Emanuele. (2010), *Iran: The Looming Crisis*, New York: Profile.
33. Parsi, Trita. (2008), *Treacherous Alliance: The Secret Dealings of Israel, Iran, and the United States*, New York: Yale University Press.
34. Ripsman, Norrin M., Taliaferro, Jeffery W., Lobell, Steven E. (2016), *Neoclassical Realist Theory of International Politics*, New York, Oxford University Press.
35. Rose, Gideon. (1998), “Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy”, *World Politics*, 51, 144-172.

36. Rosen, Steven J. (2010), "The European Component: The road to Washington runs through Paris, London, and Berlin", *Middle East Quarterly*, fall, pp. 17-32.
37. Rytz, Henriette M. (2013), *Ethnic Interest Group in Us Foreign Policy-Making*, New York: Palgrave.
38. Simon Wiesenthal Center. (2017), Access in: <http://www.wiesenthal.com/site/pp.asp?c=lsKWlbpJLnF&b=4441293>.
39. Smith, Lee. (2010), "The Arab Lobby", Access in: <https://www.hudson.org/research/7295-the-arab-lobby>.
40. Stand With Us. (2017), "Urge Congress to Get a Better Deal with Iran", Access in: <https://www.standwithus.com/news/article.asp?id=4067>
41. Tablet. (2015), "Why the Anti-Defamation League's Opposition to the Iran Deal Matters", Access in: <http://www.tabletmag.com/scroll/192890/why-the-anti-defamation-leagues-opposition-to-the-iran-deal-matters>.
42. Taliaferro, Jeffrey W., Lobell, Steven E., Ripsman, Norrin M. (2009), "Introduction: neoclassical realism, the state, and foreign policy", New York: Cambridge University Press.
43. The Committee for Israel. (2017), Access in: <http://www.committeeforisrael.com/about>.
44. The Irving Moskowitz Foundation. (2017), Access in: <http://www.moskowitzfoundation.org>.
45. The Lens Post. (2017), "Alqahtani, Al-Ansari and the Saudi battle for US hearts and minds", <http://thelenspost.com/en/alqahtani-al-ansari-and-the-saudi-battle-for-us-hearts-and-minds/>, Access: 25/11/2017.
46. Zionist Organization of America (2017), Access in: <https://www.opensecrets.org/lobby/clientbills.php?id=D000058828&year=2017>.
47. ZOA, October 11. (2017), ZOA to Pres. Trump: Decertify Disastrous Iran Deal, Reimpose Non-Nuclear Sanctions, Access in: <https://zoa.org/2017/10/10376867-zoa-to-pres-trump-decertify-disastrous-iran-deal-reimpose-non-nuclear-sanctions/>.

